

نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتار نفرین: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی

رضا پیش‌قدم (استاد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد)

pishghadam@um.ac.ir

فاطمه وحیدنیا (دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول)

fateme.vahidnia@yahoo.com

آیلین فیروزیان پوراصفهان‌نی (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس)

Ailin.firoozian@yahoo.com

چکیده

با توجه به رابطه متقابل فرهنگ و زبان و در نظر گرفتن این حقیقت که زبان تجلی‌گاه فرهنگ مردم یک جامعه است، با فرهنگ‌کاوی زبان می‌توان از نظام فکری و فرهنگی جامعه آگاه شد؛ براین اساس، در پژوهش حاضر در صدد هستیم تا به بررسی موشکافانه کنش گفتار نفرین در دو زبان فارسی و انگلیسی بپردازیم. برای دست‌یافتن به این هدف، ۲۰۰ فیلم (۱۰۰ فیلم انگلیسی و ۱۰۰ فیلم فارسی) مطالعه شدند و گفتمان‌های حاوی نفرین یادداشت گردیدند و موردکاوش قرار گرفتند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، آن‌ها را با استفاده از مدل هایمز (۱۹۶۷)، بررسی کردیم. یافته‌های این پژوهش نشان‌دهنده استفاده فراوان از نفرین به‌هنگام عصبانیت در فرهنگ ایرانی است. همچنین، براساس نتایج به‌دست‌آمده، به نظر می‌رسد که انگلیسی‌زبانان در موقعیت‌های مشابه، به جای نفرین از فحش و ناسزا استفاده می‌کنند. افزون‌براین، نتایج به‌دست‌آمده نشان داد که خانم‌ها بیشتر از آقایان از کنش گفتار نفرین استفاده می‌کنند. در پایان، انگیزه‌های افراد از نفرین‌کردن بررسی شد و به ۱۰ گروه تقسیم گردید.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، کنش گفتار، نفرین‌کردن، مدل SPEAKING، هایمز.

۱. مقدمه

تردیدی نیست که در زندگی روزمره، اغلب برای بیان منظور خود از کنش‌های گفتار متعددی استفاده می‌نماییم؛ مانند کنش گفتار عذرخواهی، تعریف و تمجید، قسم‌خوردن،

1. Speech act

خوشامدگویی، اظهار تأسف و غیره. برای بررسی هریک از این کنش‌های گفتاری، انگیزه به-کارگیری آن‌ها، شیوه به‌کار بستن و تفاوت‌های آن‌ها در فرهنگ‌های مختلف انجام تحقیقات بسیاری مورد نیاز است. یکی از عمده‌ترین کنش‌های گفتار که در فرهنگ ایران به‌وضوح و بسیار یافت می‌شود و نیاز به بررسی و تحقیق دارد، کنش گفتار نفرین است.

در دین اسلام و روایات متعددی از بزرگان دین، نفرین کردن مذمت شده است و مسلمانان بسیار از این عمل نهی شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که رسول خدا (ص) فرموده‌اند: هرگاه لعنت از دهان لعنت‌کننده خارج شود، نگاه می‌کند؛ اگر راهی به سوی آن چیزی که متوجه آن شده است، یافت، به طرفش می‌رود و گرنه به طرف کسی که از دهانش خارج شده است، برمی‌گردد (علی بن حسام، ۱۴۰۹)؛ در نتیجه، به نظر می‌رسد که بررسی این کنش گفتار می‌تواند گامی در جهت نشان دادن یکی از جنبه‌های فرهنگ ایران باشد.

در لغت، «لعن و نفرین» به معنای طرد نمودن و دور ساختن از روی خشم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲) و در اصطلاح، اگر از جانب خداوند متعال باشد- چنانکه از آیات قرآن کریم برمی‌آید (احزاب/ ۵۷؛ آل عمران/ ۸۷؛ هود/ ۱۸)- به معنای دور ساختن کسی از رحمت خویش در دنیا، و در آخرت، گرفتار نمودن به عذاب و عقوبت است و اگر از سوی بندگان باشد، به-معنای دعا به ضرر و ضد دیگران است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). آیات متعدد و احادیث بسیاری درباره نفرین کردن^۱ وجود دارند که همه آن‌ها بر نکوهیده بودن این عمل تأکید می‌ورزند که عبارت‌اند از: احزاب/ ۵۷؛ آل عمران/ ۸۷؛ هود/ ۱۸.

بنابراین، با توجه به اهمیت این نوع کنش گفتار، بسامد کاربرد نفرین در زبان فارسی و انجام نشدن چنین تحقیقی، در این مقاله به بررسی دقیق کنش گفتار نفرین در جامعه و فرهنگ ایرانی و انگلیسی با توجه به مدل هایمز^۲ (۱۹۶۷) پرداخته می‌شود و ارتباط آن با جنسیت مطالعه می‌گردد. افزون‌براین، در تحقیق حاضر، بافت‌های مختلفی که کنش گفتار نفرین در آن‌ها به‌کار برده شده‌اند، تحلیل می‌شوند و سپس، به کاربردهای این کنش پرداخته می‌شود.

1. Curse
2. Hymes

۲. پیشینه تحقیق

۱.۲. فرهنگ

فرهنگ یک جامعه ارزش‌ها و باورهای مردم آن جامعه را در برمی‌گیرد (کیث^۱، ۲۰۱۱) که شیوه بیان و رفتار افراد یک جامعه را منعکس می‌کند (ریچاردز و اشمیت^۲، ۲۰۰۲). از آنجایی که بدون شک رد پای فرهنگ و روحیات اهالی هر جامعه زبانی را می‌توان در زبان آنان یافت، با توجه به رابطه متقابل فرهنگ و زبان می‌توان با فرهنگ‌کاوی^۳ زبان، از نظام فکری و فرهنگی جامعه آگاه شد (پیش‌قدم، ۱۳۹۱). در همین راستا، لیکاف^۴ (۱۹۸۷) اذعان می‌دارد که زبان یک جامعه تأثیر بسزایی در شکل‌گیری شناخت و تغییر رفتار افراد آن جامعه دارد و ما را در شناخت بهتر جامعه و فرهنگ مردم آن یاری می‌کند. تاکنون تحقیقات فراوانی (به‌عنوان مثال، توماس^۵، ۱۹۸۳؛ جیانگ^۶، ۲۰۰۶ و لیچ^۷، ۱۹۸۳) صورت گرفته‌اند که مبین این مطلب می‌باشند که برای برقراری ارتباط، نه فقط آگاه‌بودن به اصول ساختاری آن زبان، بلکه برخورداری از شناخت عمیقی از تفاوت‌های فرهنگی نیز موردنیاز است. به‌راستی، فرهنگ «دریچه‌ای رو به انسان می‌گشاید که شخص از آن منظر دنیا را درک می‌کند» (پیش‌قدم، ۱۳۹۳، ص. ۵۷). پیش‌قدم (۱۳۹۱) بر «کالبدشکافی زبان»^۸ و استخراج «زبان‌ها»^۹ که خود لازمه مطالعه فرهنگ‌ها می‌باشند، تأکید می‌کند و به واکاوی «زبان‌های» جوامع مختلف برای پی‌بردن به فرهنگ نهان در زبان آن‌ها تأکید می‌کند.

1. Kieth
2. Richards & Schmitt
3. Culturology of language
4. Lakoff
5. Thomas
6. Jiang
7. Leech
8. Anatomist of language
9. Cultuling

در سال ۱۹۹۱، هافستد^۱ فرهنگ‌ها را به دو دسته شرق و غرب تقسیم کرد. او بر این باور است که شرقی‌ها بیشتر جمع‌گرا^۲ و غربی‌ها بیشتر فردگرا^۳ هستند. در جوامع جمع‌گرا، ارتباطات اهمیت فراوانی دارند؛ در صورتی که در جوامع فردگرا، برآورده کردن خواسته‌های شخصی دارای اهمیت است؛ در نتیجه، شرقی‌ها به دلیل داشتن روح جمع‌گرایی وابسته به بافت^۴ و غربی‌ها به دلیل روح فردگرایی خود، مستقل از بافت^۵ هستند. این، بدان معنا است که شرقی‌ها به کلیات بافت و محیط توجه می‌کنند و در مقابل، غربی‌ها به جزئیات می‌پردازند (نورنزیان، اینکول، و پنگ^۶، ۲۰۰۷).

کویینگ و دین^۷ (۲۰۱۱) فرهنگ جمع‌گرا را فرهنگ «مایی» و فرهنگ فردگرا را فرهنگ «منی» می‌نامند؛ به این معنا که ایرانیان مردمانی متواضع هستند که علاقه‌ای به خودافشایی^۸ ندارند؛ در حالی که غربی‌ها به راحتی مشکلات و تفکرات خود را افشا می‌کنند (پیش‌قدم، ۱۳۹۳). افزون‌براین، پیش‌قدم و شرف‌الدینی (۲۰۱۱) و پیش‌قدم و زارعی (۲۰۱۲) در تحقیقات خود به این نتیجه دست یافتند که انگلیسی‌ها نظرات خود را صریح و مستقیم بیان می‌کنند؛ در حالی که ایرانیان به صورت غیرمستقیم و در لفافه سخنان خود را می‌گویند.

۲.۲. نفرین کردن

آستین^۹ در سال ۱۹۶۲ و سرل^{۱۰} در سال ۱۹۶۹، نظریه کنش گفتار را با هدف بررسی نقش گفتار در رابطه با رفتار گوینده و شنونده مطرح کردند (اشمیت، ۲۰۰۲؛ کریستال^{۱۱}، ۲۰۰۳). با توجه به این نظریه، گفتار ما به وسیله زبان محقق می‌گردد و به عمل تبدیل می‌شود (هلیدی^{۱۲}،

1. Hofstede
2. Collective
3. Individual
4. High-context
5. Low-context
6. Norenzayan, Incheol & Peng
7. Koeing & Dean
8. Self-disclosure
9. Austin
10. Searle
11. Crystal
12. Halliday

۲۰۰۳؛ جانستون^۱، ۲۰۰۸). آستین (۱۹۶۲) و سرل (۱۹۶۹) کنش گفتاری را در میان تمامی زبان‌ها یکسان می‌دانستند؛ اما برخلاف اعتقاد آن‌ها، تحقیقات گرین^۲ (۱۹۷۵) و وربیکا^۳ (۱۹۸۵) تفاوت استفاده از کنش‌های گفتاری را در میان فرهنگ‌های مختلف نشان دادند.

تاکنون، مطالعات متعددی در زمینه نظریه کنش گفتار انجام شده‌اند و کنش‌های گفتار فراوانی بررسی گردیده‌اند؛ به‌عنوان مثال، کنش گفتار تقاضا کردن (فلیس و دین^۴، ۲۰۱۲؛ کرولاتز^۵، ۲۰۱۲)، تشکر کردن (پیش‌قدم و زارعی، ۲۰۱۲؛ خاولده و زگاراک^۶، ۲۰۱۳؛ جوهانسن^۷، ۲۰۰۸)، تصحیح کردن (پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی، ۲۰۱۲) و قسم خوردن (پیش‌قدم و عطاران، درنوبت چاپ).

در لغت‌نامه دهخدا، واژه «نفرین» چنین تعریف شده است: «دعای بد» و همچنین، «از: ن (نفی، سلب) + فرین (آفرین)؛ ضد آفرین» (دهخدا، ۱۳۷۳). در همین راستا، انوری (۱۳۸۲) «نفرین» را به معنای دعای بد برای مرگ، ناکامی و بدبختی کسی یا چیزی می‌داند. به عبارت دیگر، دعا بر دو نوع است: مثبت که همان دعای معروف و شناخته شده است و دعای منفی و برضد که نفرین می‌باشد.

از منظر دین اسلام، عمل نفرین کردن نکوهیده و ناپسند شمرده می‌شود و بر طبق آیات و روایات، دعای بد و نفرین کردن مسلمانان نیز مانند لعن کردن مذموم است؛ حتی بر ظالمان؛ مگر هنگامی که از شر و ضرر او آدمی مضطر و ناچار گردد. نراقی (۱۳۷۷) در کتاب *جامع السعادات* این چنین می‌گوید:

آنچه [در شریعت] تجویز شده، لعن کردن به کافرین و فاسقین و ظالمین است، همچنان که در قرآن وارد شده است (سوره‌های بقره آیه ۸۹؛ اعراف آیه ۴۴؛ مؤمن آیه ۵۲) و بالجمله لعن کردن به رؤسای ظلم و ضلالت، جایز و بلکه مستحب و بر غیر این‌ها حرام است. تا یقین

1. Johnstone
2. Green
3. Wierzbicka
4. Felice & Deane
5. Krulatz
6. Khawaldeh & Žegarac
7. Johansen

نشود که متّصف است به یکی از صفاتی که موجب لعن می‌شود (نمی‌تواند لعن کند) و باید یقین به این کند و به مجرد ظن و تخمین نمی‌توان اکتفا نمود (ص. ۳۸۵).

جی^۱ در سال ۱۹۹۹، علل روانی، عصب‌شناختی و جامعه‌شناختی فحاشی و بدزبانی در آمریکا را واکاوی کرد؛ اما در آن نفرین را به‌طور خاص و مجزا از دیگر انواع بدزبانی، تحلیل نکرده است. تنها در جایی از کتاب، جی از اصطلاح «دشنام مذهبی»^۲ نام می‌برد و علاوه‌بر برشمردن ریشه‌های فرهنگی این پدیده (که موردنظر ما نیست)، تعریفی ارائه می‌کند که نشان می‌دهد، این پدیده معادل همان مفهومی است که ما از «نفرین» ارائه کرده‌ایم. تعریف چنین است: «نفرین آرزوی واردشدن زیان به شخصی دیگر است» (جی، ۱۹۹۹، ص. ۱۹۳). در این پژوهش نیز منظور از نفرین، صورت‌های زبانی‌ای هستند که مقصود گوینده از آن‌ها لزوماً دال بر چنین محتوای معنایی می‌باشد.

با آگاهی به تمامی این موارد درباره‌ی نفرین کردن، روزانه موارد بسیاری از این کنش گفتار را می‌شنویم؛ بنابراین، این پژوهش گامی اولیه برای پرکردن خلأی است که در زمینه تحلیل موشکافانه کنش گفتار نفرین و طبقه‌بندی کاربردهای آن وجود دارد.

۳. روش تحقیق

برای جمع‌آوری داده‌های لازم این پژوهش، ۲۰۰ فیلم ایرانی و انگلیسی مشاهده شدند. سپس، نمونه‌هایی گویا از کنش گفتار نفرین، انتخاب شدند و بررسی گردیدند. این فیلم‌ها از ژانرهای مختلفی از جمله اجتماعی، درام، کمدی، علمی-تخیلی، وحشتناک و غیره جمع‌آوری شدند. بیشتر این فیلم‌ها در پانزده سال اخیر ساخته شده و به نمایش گذاشته شده بودند. جمع‌آوری اطلاعات این تحقیق از مهرماه ۱۳۹۲ آغاز شد و تا فروردین ماه ۱۳۹۳، تازمانی که اشباع کامل صورت پذیرفت، ادامه یافت (اشباع به این معنی که اطلاعات جدیدی اضافه نشود) (کوهن، منیون، و موریسون^۳، ۲۰۰۷؛ یین^۴، ۲۰۱۰). لازم است ذکر شود که در همه فیلم‌های مشاهده‌شده، کنش گفتار نفرین یافت نشد.

1. Jay
2. Religious cursing
3. Cohen, Manion & Morrison
4. Yin

همانطور که می‌دانیم، زبان هنر، بافت طبیعی را به تصویر می‌کشد و زندگی روزمره را به خوبی نمایان می‌کند. به عبارت دیگر، زبان هنر انعکاس دهنده رفتارها و احساسات طبیعی مردم آن جامعه است. تحقیقات متعددی شاهدهی بر این واقعیت می‌باشند که رسانه و به‌طور خاص، فیلم‌ها تأثیرهای بسزایی در شکل‌گیری رفتارها و عواطف مردم آن جامعه دارند؛ بنابراین، به این دلیل که فیلم‌ها بار اجتماعی و فرهنگی جامعه را به دوش می‌کشند و نشانگر فرهنگ یک جامعه هستند (دهل^۱، ۲۰۰۴؛ گانتر^۲، ۱۹۸۷؛ مینینی^۳، ۲۰۰۷) و به علاوه، امکان دسترسی به پیکره انگلیسی در ایران وجود نداشت، بهترین گزینه برای واکاوی کنش گفتار نفرین، فیلم‌های انگلیسی بودند.

۱.۳. مدل تحقیق

در این تحقیق، کنش گفتار نفرین بر اساس مدل هایمز (۱۹۶۷) بررسی گردید. مدل هایمز که تاکنون در تحقیقات متعددی (مانند آنجلیلی^۴، ۲۰۰۰؛ اسمال^۵، ۲۰۰۸؛ پیش‌قدم و عطاران، در حال انتشار؛ پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی، در نوبت چاپ) استفاده شده است، به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که گفتمان‌های مختلف را واکاوی کند و عوامل مؤثر بر تعامل میان افراد را بررسی نماید. این عوامل که بر اساس مدل هایمز به دو گروه تقسیم شده‌اند و به اختصار SPEAKING نامیده شده‌اند، به ترتیب ذیل می‌باشند:

۱. موقعیت زمانی و مکانی^۶

با توجه به مکان و زمانی که گفتمان در آن انجام می‌پذیرد، موقعیت یک گفتمان را می‌توان به دو گروه تقسیم‌بندی کرد: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

الف. عمومی / رسمی؛

ب. خصوصی / غیررسمی.

1. Dahl
2. Gunter
3. Mininni
4. Angelelli
5. Small
6. Setting

۲. شرکت کنندگان^۱

اطلاعات لازم در مورد شرکت کنندگان شامل سن، جنسیت، ملیت و ارتباط میان آنها است. با در نظر گرفتن وضعیت قدرت و فاصله، شرکت کنندگان در یک گفتمان ممکن است در چهار موقعیت مختلف قرار گیرند:

الف. هم تراز و غریبه (دو استاد دانشگاه)؛

ب. هم تراز و آشنا (دوست صمیمی)؛

ج. نابرابر و غریبه (رئیس و کارمند)؛

د. نابرابر و آشنا (استاد و دانشجو).

۳. هدف^۲

هدف از بیان یک عبارت در یک گفتمان در موقعیت‌های مختلف خواهد بود و این هدف با در نظر گرفتن شرایط کلی آن گفتمان، قابل درک است. بر اساس مدل هایمز، نه تنها هدف از انجام یک گفتمان، بلکه هدف هر یک از شرکت کنندگان نیز لازم است واکاوی شود.

۴. ترتیب گفتمان^۳

ترتیب گفتمان شامل اطلاعاتی در مورد ترتیب اعمال شرکت کنندگان می‌باشد و آن زمانی است که اقدامی از طرف یک شرکت کننده، زمینه را برای اقدامی از سوی شرکت کننده دیگر فراهم می‌کند (گافمن^۴، ۱۹۷۱). برای بیان ترتیب، بخش‌های گفتمان را می‌توان با توجه به نقش و کارکرد آنها بررسی کرد؛ به عنوان نمونه:

شرکت کننده ۱ (پرسش):

- شنیدی امیر، شوهر زری رفته یه زن همسین دخترش گرفته؟

شرکت کننده ۲ (تعجب و نفرین):

-
1. Participants
 2. Ends
 3. Act sequence
 4. Goffman

- و! خدا مرگش بده!

شرکت‌کننده^۱ (تأیید):

- آره والا!

۵. لحن^۱

با توجه به موقعیتی که گفتمان در آن انجام می‌پذیرد، لحن شرت‌کنندگان متغیر خواهد بود و ممکن است لحن‌هایی از قبیل جدی، طعنه‌آمیز، فکاهی، دوستانه، خصمانه، همدردی یا تهدیدآمیز داشته باشد. اغلب بر این باور هستند که بین لحن و نوع گفتمان ارتباط مستقیم وجود دارد؛ هرچند به اعتقاد سویل^۲ (۲۰۰۳)، برقراری چنین ارتباطی ضروری نیست؛ زیرا، گاهی اوقات لطیفه‌ای با لحن طعنه‌آمیز بیان می‌شود یا شخصی با لحن تهدیدآمیز به دیگری تسلیت می‌گوید؛ بنابراین، آنچه دارای اهمیت است، لحن با تغییر در هریک از دیگر عوامل متغیر خواهد بود (سویل، ۲۰۰۳).

۶. ابزار^۳

ابزار یک گفتمان شامل نحوه بیان آن می‌باشد که به دو دسته نوشتاری و گفتاری تقسیم می‌شود.

۷. قوانین گفتمان^۴

منظور از قوانین، رفتارهای خاص و مشخصه‌هایی است که به یک گفتمان می‌توان نسبت داد؛ به عنوان نمونه، قطع کردن حرف دیگری یا رعایت اصول ترتیب در صحبت کردن، با صدای بلند صحبت کردن، زمزمه کردن و غیره، از مشخصه‌های توصیف‌کننده یک گفتمان می‌باشند (هایمز، ۱۹۶۷).

-
1. Key
 2. Suville
 3. Instrumentalities
 4. Norm

۸. نوع گفتمان^۱

نوع گفتمان شامل مجموعه‌ای از خصوصیات و ساختارهای به هم مرتبط می‌باشد که چارچوبی را برای ایجاد یک گفتمان تشکیل می‌دهند (بامان^۲، ۲۰۰۰) و شامل دسته‌بندی‌هایی از قبیل شعر، افسانه، داستان، ضرب‌المثل، دعا، خطابه، نامه، لطیفه، مکالمه و غیره می‌شود (هایمز، ۱۹۶۷).

۴. یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، این پژوهش در صدد بررسی چگونگی نمود کنش گفتاری نفرین و تفاوت‌های کاربردی این کنش گفتار در فیلم‌های فارسی و انگلیسی بود. مشاهدات صورت‌گرفته گویای وجود کنش گفتار نفرین در فیلم‌های فارسی بود. این، در حالی است که با وجود اینکه این نوع کنش گفتار در ادبیات مکتوب انگلیسی ظاهر شده‌است، جای بسی شگفتی بود که فیلم‌های انگلیسی‌زبان، فاقد وجود کنش گفتار نفرین بودند. به عبارت دیگر، براساس اطلاعات جمع‌آوری‌شده، در بافت طبیعی، انگلیسی‌زبانان این کنش گفتاری را به کار نبسته‌اند. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از کنش گفتار نفرین در ادبیات مکتوب انگلیسی هستند:

جدول ۱. کنش گفتار نفرین در ادبیات مکتوب انگلیسی

معادل فارسی	نفرین در ادبیات انگلیسی
خدا لعنتت کنه!	May God damn you!
جوون مرگ بشی!	Be cut off in the prime of your life!
امیدوارم بمیری!	I hope you die!
زود بمیری!	Die early in life!
امیدوارم روزیت کور بشه!	I hope you kill the goose that laid golden egg
خیر نبینی!	I hope no good thing ever come to you!

1. Genre
2. Bauman

۴. ۱. بررسی کنش گفتار نفرین بر اساس مدل هایمز

۴. ۱. ۱. موقعیت

مطالعه موقعیت‌های مختلف نشان می‌دهد که کنش گفتار نفرین در دو موقعیت رسمی و غیررسمی کاربرد دارد؛ اما کاربرد آن در موقعیت غیررسمی / خصوصی از فراوانی بیشتری برخوردار است.

الف. رسمی / عمومی

مثال: در کلاتری توسط یک شاکی به روحانی محل ؛ روحانی در راهروی کلاتری مشغول راه رفتن بود که یک شاکی او را دید و به سمتش دوید و گفت: (با گفتن این کلمه تسبیح روحانی افتاد) - شاکی: حاجی خاک تو سر دشمنات بشه! با این تسبیح برام استخاره کن که کیفم پیدا میشه یا نه؟

ب. غیررسمی / خصوصی

مثال: در خانه، گفت‌وگوی زن و شوهر

- زن: طلامو چرا فروختی؟

- مرد: خوب خونه رو که نمی‌تونستم بفروشم!

- زن: وایستا نعی (در حال دویدن به دنبال شوهرش بود که او را با کیف بزند) الهی ذلیل بشی مرد!

۴. ۱. ۲. شرکت کنندگان

افرادی که نفرین می‌کنند یا نفرین می‌شوند، از حیث وضعیت قدرت و فاصله به چهار گروه مختلف تقسیم می‌شوند:

الف. هم‌تراز و غریبه

مثال: مسافر و راننده تاکسی

- مسافر: آگه حواست به جلو باشه، اینجوری نمیشه. (برای اینکه حواس راننده به مسافر زن بود، می‌خواست با یک عابر برخورد کند.)

- راننده: (نگه داشت که مسافر پیاده شود) کرایه رو بده. (مسافر بدون پول دادن قصد پیاده شدن داشت)

- مسافر: هم چشم‌چرونی هم کرایه؟ بیا بگیر کوفتت بشه! گوشت نشه به تنت ایشالا!

ب. هم‌تراز و آشنا

مثال: دو دوست

- زری: دستش بشکنه چی شده؟ (موقعی که صورت کبود دوستش را دید، به شوهر دوستش گفت)
- نیکی: هیچی! وقتی رسیدم، گل رزو که دستم دید پرید به جونم.
- ج. نابرابر و غریبه
- مثال: سرباز و متهم
- متهم: سرباز منو پوشش بده. اون مردک (شاکلی) اونجا رو صندلی خوابیده.
- سرباز: من که بلد نیستم پوشش بدم.
- (سرباز شروع به بلند صحبت کردن کرد)
- متهم: لال بشی ایستالا!
- سرباز: با کی هستی این جور حرف می‌زنی؟
- د. نابرابر و آشنا
- مثال: مادر و دختر
- دختر: سرگرد گفته شاید مامانت دزد باشه.
- مادر: بشکنه چلاق بشه این دست که نمک نداره! دختر بزرگ کردم که مونس جونم باشه؛ حالا شده عذاب الیم. تو حرف اونو باور می‌کنی؟
- دختر: فاصله بین شک و یقین یه تار مو.
- به نظر می‌رسد برخی از نفرین‌ها مربوط به شرکت‌کنندگان خاصی هستند؛ به‌طورمثال، تنها پدران یا مادران فرزندان خود را نفرین می‌کردند؛ نه برعکس.
۴. ۱. ۳. هدف
- با نگاهی موشکافانه به گفتمان‌ها و بررسی دقیق آن‌ها از بعد روان‌شناختی، تعدادی هدف برای کنش گفتار نفرین مشخص شدند که با کاربردهای نفرین‌کردن همپوشانی دارند و در بخش (۴. ۳) به‌طور دقیق واکاوی خواهند شد.
۴. ۱. ۴. ترتیب گفتمان
- همانطور که پیش‌تر ذکر شد، ترتیب گفتمان شامل مطالعه نقش بخش‌های آن گفتمان می‌باشد. به عبارت دیگر، هر جمله از یک گفتمان، جداگانه واکاوی می‌شود و نقش آن تعیین می‌گردد. به‌دلیل

محدودیت‌های موجود برای بررسی همهٔ گفتمان‌هایی که در آن‌ها نفرین صورت گرفته، در اینجا به تحلیل دو نمونه بسنده می‌کنیم.

الف. موقعیت: گفت‌وگوی بین زن و شوهر

درخواست در شکل پرسش:

- مرد: می‌ای این عکس‌ها از من بگیری؟

جواب با عصبانیت:

- زن: آره می‌ام.

با عصبانیت حرف‌زدن با عکس و نفرین کردن صاحب عکس:

- زن: ای صدام کثافت! باید صد بار اعلامت می‌کردن. خاک به اون گورت کنن ایشالا!

ب. موقعیت: گفت‌وگوی پدر و پسر

پرسش با عصبانیت:

- پدر: کدوم گوری بودی وقتی داداشت رو اعلام می‌کردن؟

پاسخ با گریه و ناراحتی زیاد:

- پسر: آقا جون به خدا منو دزدیده بودن. راستشو می‌گم به قرآن.

نفرین کردن با گریه و عصبانیت:

- پدر: قرآن بزنه به اون کمرت که کمرمو شکوندی!

- پسر: سکوت و گریه می‌کنم.

۴. ۱. ۵. لحن

لحن‌های مختلفی که در هنگام نفرین کردن استفاده می‌شوند، شامل موارد زیر می‌باشند:

الف. عصبانی

- وایسا نقی. الهی ذلیل بشی مرد! الهی یتیم بشه بچت!

- آتیش بگیره گور اون که ماهواره رو کشف کرد!

ب. تعجب

- وا خاک بر سر کافر کنن ایشالله!

- خدا مرگم بده!

پ. طعنه آمیز

- بترکه چشم حسود!

- بر نامرد و نامرد صفت لعنت!

ت. اعتراض آمیز / گلایه آمیز

- الهی ذلیل بشین ایشالله! چرا خونه رو گذاشتین رو سرتون؟

- خیر نبینی ایشالا که منو با این بچه هات گذاشتی و رفتی.

ث. ملتسمانه

- ایشالله خدا منو بیره پیش رحمان! (رحمان شوهر مرده اش است).

ج. شوخی و خنده

- ای وای ذلیل نشی ایشالله!

چ. ترحم آمیز

- آخ مادرت بمیره ایشالله میلاد!

ح. توهین آمیز

- کور بشه کور بشه هر کی نمی تونه ببینه!

- بر بزنده آبروی مردم لعنت!

خ. خونسرده

- خیر مرگم! کاشکی زودتر فهمیده بودم!

- همیشه ناز تو کشیدم. قرضاتو دادم. مگه نه؟

- بر منکرش لعنت!

۴. ۱. ۶. ابزار

همانطور که ذکر شد، نحوه بیان یک گفتمان به دو دسته گفتاری و نوشتاری تقسیم می شود. کاربرد

کنش گفتار نفرین کردن عموماً در قالب گفتاری اتفاق می افتد.

الف. قالب گفتاری

- دختر: *داداش داره از زیارت میاد.*

- مادر: *او فقط دو بار زیارت رفته.*

- دختر: *خوب! حالا از زندون برگشته. باشو دیگه ننه رسید.*

- مادر: *خبر مرگشو بیارن!*

- دختر: *از ته دل که نگفتی؟*

۴. ۱. ۷. قوانین گفتمان

بررسی کنش گفتار نفرین کردن در گفتمان‌های مختلف نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان اغلب وقتی عاجز و درمانده‌اند و فکر می‌کنند که حق ضایع شده آن‌ها قابل جبران نیست و قادر به انتقام گرفتن نیستند، شروع به نفرین کردن می‌کنند. به‌طور مختصر، به تحلیل دو نمونه می‌پردازیم:

موقعیت: حیاط خانه

شرکت‌کنندگان: مرد معتادی که به دلیل اینکه همسرش بدون اجازه او سراغ وسایلش رفته است، در حال دعا کردن با او می‌باشد:

- مرد: *چرا دور وسایل من رفتی؟ (مرد شروع به کتک زدن همسرش می‌کند.)*

- زن: *ایشالله دستت بشکنه که به بچه تو راهم رحم نمی‌کنی!*

موقعیت: منزل پشت پنجره

شرکت‌کنندگان: زن و مردی با ناراحتی در حال صحبت کردن در مورد دختر و دامادشان هستند:

- زن: *دخترمون اگه بفهمه شوهر نامردش طلاقش داده، دق می‌کنه.*

- مرد: *جماعت مردونگی نمی‌فهمه.*

- زن: *ایشالله به زمین سرد بشینه که دخترمو بدبخت کرد!*

۴. ۱. ۸. نوع گفتمان

نوع گفتمان می‌تواند داستان، افسانه، شعر، لطیفه، خطابه، نامه، ضرب‌المثل، دعا، مکالمه و غیره را در برگیرد. مطالعه گفتمان‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق نشان می‌دهد که پرکاربردترین نوع گفتمان، گفت‌وگوهای روزمره در قالب اجتماعی هستند که کنش گفتار نفرین کردن در آن حادث می‌شود.

۲.۴. نفرین کردن و جنسیت

در مشاهدات مورد مطالعه در این تحقیق، تعداد شرکت کنندگان زن و مرد تقریباً برابر بوده‌اند؛ اما زنان حدوداً دو برابر مردان، از کنش گفتار نفرین کردن استفاده کردند. به عبارت دیگر، در این پژوهش، این کنش گفتار در ۶۹٪ از موارد توسط زنان و در ۳۱٪ از موارد توسط مردان استفاده شده است.

۳.۴. بررسی کاربردهای کنش گفتار نفرین کردن

در این بخش، بافت‌هایی را که کنش گفتاری نفرین در آن‌ها نمود پیدا کرده بود، بررسی کردیم تا درباره انگیزه‌های احتمالی افراد آگاهی یابیم. نتایج به دست آمده حاکی از این مطلب است که افراد غالباً با داشتن ۱۰ انگیزه، از کنش گفتار نفرین کردن استفاده کرده‌اند. شکل زیر نمایانگر کاربردها و بسامدهای کنش گفتار نفرین در زبان فارسی است:



شکل ۱. کاربردها و بسامد نفرین کردن در زبان فارسی

همانطور که در شکل (۱) نشان داده شده است، انگیزه‌های نفرین کردن به ۱۰ گروه تقسیم می‌شوند:

الف. نشان دادن یا جلوگیری از خشم

● نشان دادن خشم:

- (زن و شوهر در تاکسی در حال دعا کردن هستند)
- زن: کاش می‌فهمیدی یک زن نیاز به توجه شوهرش داره!
- شوهر (رو به راننده): گفتم نگه دار! (با داد و فریاد)
- راننده: چرا داد می‌زنی؟ پرده گوشم پاره شد.
- شوهر: به درک که پاره شد! نگه دار! (با داد و فریاد)

● جلوگیری از خشم:

- (دو زن مسن در حال صحبت کردن در مورد فرنی هستند.)
- زن مسن اول: شیرینیش کمه.
- زن مسن دوم: تو برات شکر خوب نیست؛ قند داری.
- زن مسن اول: بی مزه‌ست.
- زن مسن دوم: لعنت بر شیطان!

ب. عجز و درماندگی

- حامله: امیر داری می‌ری؟ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- امیر: حامله خیلی بی‌معرفتی.
- حامله: به جون دخترم من نمی‌دونستم.
- امیر: یاسی خانوم (زن حامله) خدا ازت نگذره که به من نگفتی زخم بچمو سقط کرده! حلاله نمیشه!

کنم!

پ. توهین

- سرگرد: ما اینجا بیم که شک و شبهه نمونه.
- زن: چیه هی حرف از شک می‌زنی؟ فکر کردی کیف دست منه؟

- سرگرد: کی در مورد کیف حرف زد؟

(سرگرد بی‌وقفه حرف می‌زند)

- زن (زمنزه می‌کند): بترکی هی ورور می‌کنی!

- سرگرد: بله؟؟ با من بودی؟!

ت. ضرر و زیان

- پلیس اول: این خانم چیکارته؟

- پسر: همکلاسی دانشگاهه.

- پلیس اول: خراب شه این دانشگاهها!

- پلیس دوم: طرحش تو مجلسه. این روزا زنونه مردونش میکنن. خیال همه راحت شه.

ث. گلایه

- زن: سلام!

- مرد: بزنی به چاک. اصلاً حوصلتو ندارم.

- زن: بشکنه این دست که نمک نداره! مگه من به تو چه بلای کردم؟

ج. رفع بلا

هنگامی که پسر یک مغازه‌دار بعد از دو ماه که از فوت پدرش می‌گذشت، به‌همراه اهل محل درحال باز کردن در مغازه پدرش می‌باشد، یکی از اهالی محل درحال اسپند دود کردن با صدای بلند فریاد می‌زد:

- بترکه چشم حسود! بترکه چشم بد!

چ. دعا

مادری در کلاتری با پسرش و پسری دیگر که از پسر او شکایت کرده بود، درحال صحبت کردن بود:

- مادر: بیا و رضایت بده!

- شاک: من به حرمت شما می‌بخشم.

- پسر: تو کی هستی که منو ببخشی؟

- مادر (رو به پسر): ذلیل نشی ایشالا! من داشتم یاسین می‌خوندم؟

ح. شوخی

- زن: بیا حاجی همین موهامو بکن تو! بچه دسته.

- مرد: چشم خانوووم!

(مرد در حال درست کردن روسری همسرش است که خواهر زنش یک دفعه وارد می‌شود.)

خواهر زن (با خنده): / حاجی!!!!

مرد (با خنده): بلال شی!

خ. تعجب

زن در حال صحبت کردن با سروان بود که یک سرباز دیگر مرد چشم‌چرانی را که مزاحم نوامیس مردم شده بود، دستگیر کرده بود. ناگهان مرد چشم‌چران نزدیک زن شد:

- سروان: اوی، نگات به خودت باشه!

- زن (با تعجب): / و! خاک بر سر کافر کنن! این دیگه چه اعجوبه‌یه!

د. دلسوزی

مادری بعد از ملاقات پسرش در زندان در حال گریه کردن در خانه‌اش است که دخترش از دانشگاه می‌رسد:

- دختر: زری خانم (زن همسایه) چی شده؟ چرا مامانم گریه می‌کنه؟

- زن همسایه: از وقتی رفته داداشتو تو کلاتری دیده، داره گریه می‌کنه.

- مادر (گریه‌کنان): آخ مادرت بمیره برات میلاد که معلوم نیست اونجا داره چی بهت می‌گذره.

ذکر این نکته دارای اهمیت است که براساس مطالعه گفتمان‌های جمع‌آوری شده دارای کنش گفتار نفرین، افراد، مخاطب خود (دوم شخص)، فرد غایب (سوم شخص) یا خودشان (اول شخص) را نفرین می‌کردند. ۴۸۷۵٪ از نفرین‌ها به مخاطب خود، ۳۵٪ فرد غایب و ۱۶/۲۵٪ به گوینده بازمی‌گشت. نفرین به خود^۱، اغلب مربوط به موقعیت‌هایی بود که شرکت‌کنندگان آن، مادران و فرزندان بودند که این موقعیت‌ها شامل موارد زیر بوده‌اند:

۱. برانگیختن حس ترحم نزدیکان؛

۲. دلسوزی برای فرزندان؛

۳. به‌ستوه آمدن و ناراحتی از فرزندان.

۴. ۴. مراجع نفرین در زبان فارسی

در این تحقیق، مشاهدات نشان داد که ایرانیان در بعضی از مواقع هنگام نفرین کردن، به مراجعی برای نفرین خود تمسک می‌جویند. آن‌ها برای نسبت‌دادن نفرین خود به مذهب خود رجوع می‌کنند و از خداوند، ائمه اطهار، قرآن و نماز به‌عنوان مرجعی برای نفرین خود استفاده می‌کنند؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به مثال‌های زیر اشاره کرد:

- خدا ازت نگذره که زندگیمو تباه کردی!

- به امام حسین واگذار می‌کنم!

- ایشالا همین امام هشتم بزازه تو کاست که بچمو ازم گرفتی!

- قرآن بزنه به اون کمرت که کمرمو شکوندی!

- ایشالا همون نمازی که می‌خونی بزنه به کمرت که دیگه اقدر حق و ناحق نکنی!

۵. بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، این پژوهش با هدف بررسی کنش گفتار نفرین کردن در فرهنگ‌های انگلیسی و فارسی با استفاده از مدل هایمز (۱۹۶۷) انجام شده است. برای دست‌یافتن به این هدف، ابتدا به تشریح مدل هایمز و هشت بخش تشکیل‌دهنده آن پرداختیم و سپس، گفتمان‌هایی را که در آن‌ها کنش گفتار نفرین به‌کار رفته بود، از این منظر مورد بررسی دقیق قرار دادیم. آنگاه، کاربردهای این کنش گفتار را به ده بخش تقسیم کردیم و ارتباط این کنش را با جنسیت و اکاوی نمودیم.

با قراردادن کنش گفتار نفرین در بخش‌های مختلف مدل هایمز، مشخص شد که نفرین در فرهنگ فارسی به بخشی از محاوره‌های روزمره تبدیل شده است و در اغلب گفتمان‌های روزمره به‌کار می‌رود. افزون‌براین، این کنش گفتار به‌صورت روزمره تقریباً در هر بافتی اتفاق می‌افتد و به‌نظر می‌رسد که فقط هدف از انجام آن با توجه به فضای مورد استفاده تغییر پیدا می‌کند. با توجه به

اطلاعات گردآوری شده، بیشترین میزان بسامد از بین کاربردهای نفرین به ترتیب به نشان دادن و فرونشاندن خشم، بیان عجز و درماندگی، ضرر و زیان و توهین اختصاص یافته است. همان‌گونه که راغب‌اصفهانی (۱۴۱۲ق، ص. ۷۴۱) نیز اظهار می‌دارد، نفرین در لغت به معنای «طردنمودن و دورساختن از روی خشم» است؛ به این معنا که غالباً افراد خشم خود را با به کارگیری کنش گفتار نفرین نشان می‌دهند. نتایج این تحقیق نیز گواه بر این مطلب است که یکی از عمده‌ترین انگیزه‌های افراد در نفرین کردن، نشان دادن عصبانیت و فرونشاندن آن می‌باشد. همچنین، راغب‌اصفهانی (۱۴۱۲ق) و انوری (۱۳۸۲) از نفرین به عنوان دعایی برای رسیدن ضرر و زیان به دیگری یاد کرده‌اند که این تعریف تأییدی بر یکی از کاربردهای یافت‌شده در این تحقیق می‌باشد.

همانطور که پیش‌تر ذکر شد، در اسلام، نفرین کردن نکوهیده و ناپسند شمرده شده است و طبق آیات قرآنی (سوره‌های بقره آیه ۸۹؛ اعراف آیه ۴۴؛ مومن آیه ۵۲) و به گفته نراقی (۱۳۷۷)، نفرین - کردن تنها به ظالمان و کافران، جایز می‌باشد و بر غیر این‌ها حرام است و بر اساس حدس و گمان نمی‌توان کسی را کافر یا ظالم دانست و او را نفرین کرد؛ در نتیجه، نتایج این پژوهش که مبین فزونی به کار بستن نفرین در فرهنگ فارسی است، مغایر با اعتقادات مذهبی ما می‌باشد؛ بنابراین، هم‌راستا با تحقیقات پیش‌قدم و نوروز کرمانشاهی (درنوبت چاپ) و علیجانی (۱۳۸۵)، شاید بتوان به این نکته اشاره کرد که استفاده از کنش گفتار نفرین، بازتابی از کم‌رنگ شدن اعتقادات مردم ایران است.

بررسی ارتباط جنسیت و کنش گفتار نفرین نشان داد که استفاده از این کنش گفتار در بین زنان بیشتر از مردان متداول است. بر اساس نظریه سپیر - ورف^۱، زبان محصول تعاملات، باورها و رفتارهای موجود در فرهنگ است (پیش‌قدم و قهاری، ۲۰۱۲). به بیان دیگر، تفاوت‌های زبانی میان مرد و زن می‌تواند ناشی از چگونگی شکل‌گیری هویت اجتماعی^۲ آن‌ها در جامعه و فرهنگ آن جامعه باشد (تنن^۳، ۱۹۹۶). همانطور که گفته شد، یکی از کاربردهای مهم و عمده نفرین، بیان عجز و درماندگی است که به نظر می‌رسد زنان ایرانی بیشتر در چنین موقعیتی متوسل به نفرین کردن می‌شوند. این نتیجه می‌تواند شهادی بر ادعای لیکاف (۱۹۷۵) باشد که زنان بیشتر تمایل دارند از صورت‌های

1. Sapir-Whorf
2. Social identity
3. Tannen

زبانی‌ای^۱ استفاده کنند که نشانگر نقش تابع و زیردست^۲ آن‌ها در جامعه می‌باشد. به عبارت دیگر، تفاوت‌های جنسیتی در زبان، تفاوت‌های قدرتی در جامعه را منعکس می‌کند (أبار و آتکینز،^۳ ۱۹۸۰)؛ به این معنا که براساس رویکرد برتری^۴ لیکاف (۱۹۷۵)، زنان به عنوان گروه تابع و زیردست شمرده می‌شوند که تفاوت در سبک گفتاری آن‌ها ناشی از برتری مردها و نظام مردسالاری است. افزون‌براین، براساس نظریه اجتماعی‌شدگی زبانی^۵ آکس (۱۹۸۸)، انسان از طریق زبان وارد دنیای اجتماعی می‌شود و وسایل فرهنگی‌ای که از بدو تولد در اختیار کودک (دختر یا پسر) قرار می‌گیرند، هویت او را در آینده شکل می‌دهند؛ بنابراین، روحیه لطیف و آسیب‌پذیر زنان ایرانی می‌تواند ناشی از فرهنگ جامعه-ای باشد که در آن پرورش یافته‌اند و به نظر می‌رسد خود را در بند نظامی مردسالار دیده‌اند که قادر به گرفتن حق خود نیستند و بنابراین نفرین متمسک می‌شوند.

دیندیا و آلن^۶ (۱۹۹۲) اذعان کرده‌اند که زنان تمایل بیشتری به خودافشایی، بیان مشکلات و تجربیات خود و همدردی با دیگران دارند. یکی دیگر از دلایل استفاده بیشتر زنان از کنش گفتار نفرین نسبت به مردان، شاید در سایه همین ویژگی قابل توضیح باشد. از آنجایی که زنان بیشتر از مردان به خودافشایی و بیان احساسات خود راغب هستند، این احتمال می‌تواند وجود داشته باشد که زنان چون به کنترل احساساتشان در حین خودافشایی و بیان تجربیات اصرار نمی‌ورزند، ممکن است به کنش گفتار نفرین برای برون‌ریزی احساسات خود روی بیاورند.

در مقایسه با زبان فارسی، زبان انگلیسی فاقد کنش گفتار نفرین بود. انگلیسی‌زبانان در بافت‌های مشابه از فحش و ناسزا استفاده می‌کردند. یافته‌های پژوهش حاضر، صحنه‌ای بر گفته‌های پیش‌قدم (۱۳۹۳) مبنی بر دنیای متفاوت شرقی‌ها و غربی‌ها می‌باشد. جایی بسی تعجب نیست که در جوامع جمع‌گرایی چون ایران، افراد در صدد برقراری ارتباط بیشتر (هافستد، ۱۹۹۱) و حفظ آن هستند که این خود می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد موقعیت‌هایی برای به‌کار بستن نفرین شود. این، در حالی است که

-
1. Linguistic forms
 2. Subordinate
 3. O' Barr & Atkins
 4. Dominant
 5. Socialization
 6. Dindia & Allen

غربی‌ها بیشتر فردگرا هستند و به تفکرات و احساسات شخصی خود اهمیت بیشتری می‌دهند (پیش - قدم و مرادی‌مقدم، ۱۳۹۲).

براساس یافته‌های پیش‌قدم و زارعی (۲۰۱۲) و پیش‌قدم و شرف‌الدینی (۲۰۱۱)، ایرانیان نظرهای خود را غیرمستقیم و در لفافه بیان می‌کنند و برعکس، انگلیسی‌ها سخنان خود را صریح، بی‌پرده و مستقیم بیان می‌دارند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که انگلیسی‌زبانان در هنگام عصبانیت، ترجیح می‌دهند بی‌پرده و صریح احساسات خود را در قالب ناسزا بیان کنند. این، درحالی است که ایرانیان در موقعیت مشابه برای حفظ وجه و بیان کردن احساسات خود در لفافه سخن می‌گویند و به نظر می‌رسد ناراحتی خود را در قالب نفرین بروز می‌دهند.

پنگ و نیسبت^۱ (۱۹۹۹) در تحقیقی نشان دادند که غربی‌ها ریزبین و قانون‌گرا می‌باشند؛ بنابراین، به نظر طبیعی می‌رسد که در جوامع دموکراتیک قانون‌مدار، مردم به قانون احترام می‌گذارند و آن را پشتوانه‌ای قوی برای ستاندن حق خود می‌دانند (آربلاستر، ۱۳۸۵)؛ در نتیجه، آن‌ها در رویارویی با مشکلات پیش‌رو به جای نفرین کردن افراد و واگذار کردن آن‌ها به قدرت‌های ماوراءالطبیعه از قبیل خدا، قرآن، قیامت و غیره، به نظر می‌رسد که قانون را دستاویزی برای گرفتن حق خود می‌دانند. این، درحالی است که وی شرقی‌ها را مصلحت‌اندیش و تجربه‌گرا می‌داند؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که شاید ایرانیان به جای اعتماد به حمایت قانون از حقوق خود، به نفرین کردن و روز رستاخیز، قیامت و قدرت‌های ماوراءالطبیعه دیگری برای ستاندن حقوق از دست‌رفته خود، بنا به اعتقادات خود روی می‌آورند.

در این تحقیق، کنش گفتار نفرین بررسی شد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این نکته اشاره نمود که در تحقیق حاضر از مشاهده فیلم برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است؛ بنابراین، در تحقیقات آینده می‌توان از روش‌های دیگری همچون مشاهده یا پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها نیز استفاده کرد و نتایج آن‌ها را با این پژوهش مقایسه نمود. همچنین، در تحقیقات بعدی می‌توان کنش گفتارهای متعددی را در زبان‌های فارسی و انگلیسی با استفاده از مدل هایمز که در این تحقیق به تشریح آن پرداختیم، بررسی کرد. به علاوه، با توجه به نهی شدن مسلمانان از نفرین در دین

اسلام، می‌توان مسلمانان با ملیت‌های مختلف را نیز مقایسه نمود و تأثیر بافت، جامعه و ملیت را بر نفرین کردن بررسی کرد. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که پژوهشی با این عنوان و با در نظر گرفتن متغیرهای دیگری همچون سطح طبقاتی افراد و سن آنها صورت گیرد.

کتابنامه

- آریلاستر، آ. (۱۳۸۵). *دموکراسی* (ح. مرتضوی، مترجم). تهران: نشر آشیان.
- انوری، ح. (۱۳۸۲). *فرهنگ بزرگ سخن* (جلد ۸). تهران: انتشارات سخن.
- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۱). معرفی «زبانگ» به‌عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان. *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*، ۴(۴۵)، ۶۱-۴۷.
- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی روش‌های جمع‌آوری داده در مطالعات زبانی: گامی به‌سوی بومی‌سازی روش تحقیق در ایران. *جستارهای زبانی*، ۲(۱۸)، ۷۰-۵۵.
- پیش‌قدم، ر.، و عطاران، آ. (درنوبت چاپ). نگاهی جامعه‌شناختی به کنش گفتاری قسم: مقایسه زبان‌های فارسی و انگلیسی. *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه*.
- پیش‌قدم، ر.، و مرادی‌مقدم، م. (۱۳۹۲). مطالعه اکولوژیک در آموزش زبان: نقش والدین در پیشرفت سطح یادگیری زبان انگلیسی فراگیران. *جستارهای زبانی*، ۴(۴)، ۵۴-۳۱.
- پیش‌قدم، ر.، و نوروزکرمانشاهی، پ. (درنوبت چاپ). ارتباط میان زبان، مذهب و فرهنگ: تحقیق و تدقیق در کارکردهای لقب حاجی و واژه‌های وابسته در زبان فارسی. *زبان‌پژوهی*.
- دهخدا، ع. ا. (۱۳۷۳). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- راغب‌اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن (مفردات الفاظ قرآن)*. بیروت/دمشق: دارالعلم.
- علی‌بن‌حسام، ع. ا. معروف به متقی هندی. (۱۴۰۹ق). *کنز العمال* (جلد ۳). بیروت: مؤسسه الرساله.
- علیجانی، ر. (۱۳۸۵). زمان و زمینی برای تمرین. *کانون آرمان شریعتی*، ش ۱۰۰۲. بازیابی در ۱ مرداد ۱۳۸۸ از www.goodreads.com/review/show/70014815
- نراقی، ا. (۱۳۷۷). *معراج‌السعادة*. قم: نشر هجرت.
- نراقی، م. (۱۳۷۷). *جامع‌السعادات* (جلد ۱) (س. ج. ا. مجتبیوی، مترجم). تهران: انتشارات حکمت.
- Angelelli, C. (2000). Interpretation as a communicative event: A look through Hymes' lenses. *Meta*, 45(4), 580-592.
- Austin, J. L. (1962). *How to do things with words*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

- Bauman, R. (2000). Genre. *Journal of linguistics anthropology*, 9(1), 84-87.
- Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2007). *Research methods in education*. New York: Routledge.
- Crystal, D. (2003). *A dictionary of linguistics and phonetics* (5th ed.). Malden, MA: Blackwell Publishing.
- Dahl, G. (2004). Qualitative analysis of films: Cultural processes in the mirror of film. *Forum: Qualitative Social Research*, 5(2). Retrieved May 4, 2010, from <http://www.qualitative-research.net/index.php/fqs/article/view/593>
- Dindia, K., & Allen, M. (1992). Sex differences in disclosure: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 112, 106-124.
- Felice, R. D., & Deane, P. (2012). *Identifying speech acts in e-mails: Toward automated scoring of the TOEIC e-mail task* (Report No. ETS RR- 12-16). Princeton, New Jersey: Educational Testing Service.
- Goffman, E. (1971). *Relations in public*. New York: Harper and Row.
- Green, G. M. (1975). How to get people to do things with words. In P. Cole, & J. L. Morgan (Eds.), *Syntax and semantics* (pp. 187-210). New York: Academy Press.
- Gunter, B. (1987). *Poor reception. misunderstanding and forgetting broadcast news*. Hillsdale: Erlbaum
- Halliday, M. A. K. (2003). *On language and linguistics*. London: Continuum.
- Hofstede, G. (1991). *Cultures and organizations: Software of the mind*. London: McGraw-Hill.
- Hymes, D. (1967). Models of interaction of language and social setting. *Journal of Social Issues*, 33(2), 8-28.
- Jay, T. (1999). *Why we curse: a neuro-psycho-social theory of speech*. Philadelphia, PA: John Benjamins.
- Jiang, X. (2006). Suggestions: What should ESL students know? *Elsevier*, 34(1), 36-54.
- Johansen, S. H. (2008). A comparative study of gratitude expressions in Norwegian and English from an interlanguage pragmatic and second language acquisition research perspective (Unpublished master's thesis). The University of Oslo, Oslo, Norway.
- Johnstone, B. (2008). *Discourse analysis* (2nd ed.). Malden, MA: Blackwell Publishing.
- Keith, K. D. (2011). Introduction to cross-cultural psychology. In K.D. Keith (Ed.), *Cross-cultural psychology: Contemporary themes and perspectives* (pp. 3-19). UK: Wiley- Blackwell.

- Khawaldeh, N. N., & Žegarac, V. (2013). Cross-cultural variation of politeness orientation and speech act perception. *International Journal of Applied Linguistics and English Literature*, 2(3), 231-239.
- Koenig, A. M., & Dean, K. K. (2011). Cross-cultural differences and similarities in attribution. In K.D. Keith (Ed.), *Cross-cultural psychology: contemporary themes and perspectives* (pp. 475-493). UK: Wiley-Blackwell.
- Krulatz, A. M. (2012). Interlanguage pragmatics in Russian: The speech act of request in email (Unpublished doctoral dissertation). The University of Utah, Utah, US.
- Lakoff, R. (1975). *Language and women's place*. New York: Harper & Row.
- Lakoff, G. (1987). *Women, fire and dangerous things: What categories reveal about the mind*. Chicago: University of Chicago Press.
- Leech, M. (1983). *Principles of pragmatics*. London: Longman.
- Mininni, G. (2004). *Psicologia e media*. Roma-Bari: Laterza.
- Norenzayan, A., Incheol, C., & Peng, K. (2007). Perception and cognition. In S. Kitayama, & D. Cohen (Eds.), *Handbook of cultural psychology* (pp. 569-594). NY: Guilford Press.
- O'Barr, W., & Atkins, B. (1980). "Women's Language" or "powerless language"? In New McConnell-Ginet et al. (Eds.), *Women and Languages n Literature and Society*, (pp. 93-110). York: Praeger.
- Ochs, E. (1988). *Culture and language development: Language acquisition and language socialization in a Samoan village*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Peng, K., & Nisbett, R. E. (1999). Culture, dialectics, and reasoning about contradiction. *American Psychologist*, 54(9), 741-754.
- Pishghadam, R., & Ghahari, S. (2012). *Fundamental concepts in applied linguistics: A reference book*. Tehran: Rahnama Publications.
- Pishghadam, R., & Norooz Kermanshahi, P. (2012). An investigation into teachers' feedback on learners' errors: Gender and teacher experience. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 3(3), 589-597.
- Pishghadam, R., & Sharafaddini, M. (2011). Delving into speech act of suggestion: A case of Iranian EFL learners. *International Journal of Business and Social Science*, 2, 152-160.
- Pishghadam, R., & Zarei, S. (2012). Cross-cultural comparison of gratitude expressions in Persian, Chinese and American English. *English Language Teaching*, 5(1), 117-126.
- Richards, J. C., & Schmitt, R. (2002). *Longman dictionary of language teaching and applied linguistics* (3rd ed.). London: Pearson Education.

- Saville-Troike, M. (2003). *The ethnography of communication* (3rd ed.). USA: Blackwell Publishing.
- Schmitt, N. (2002). *An introduction to applied linguistics*. New York: Oxford University Press.
- Searle, J. R. (1969). *Speech acts: An essay in the philosophy of language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Small, A. (2008). Evaluation of the usefulness of Hymes' ethnographic framework from a teacher's perspective (Unpublished M.A. thesis). University of Birmingham, Birmingham, England.
- Tannen, D. (1996). *Gender and discourse*. Oxford, England: Oxford University Press.
- Thomas, J. (1983). Cross-cultural pragmatic failure. *Applied Linguistics*, 4(2), 91-112.
- Wierzbicka, A. (1985). Different cultures, different languages and different speech acts. *Journal of Pragmatics*, 9(2-3), 145-178.
- Yin, R. K. (2010). *Qualitative research from start to finish*. New York: The Guilford Press.

